**جلسه 112-223**

**یک‌شنبه – 23/02/۹7**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به شرطیت ستر در طواف به اینجا رسید که عرض کردیم: و لو سند این روایات که می‌‌گوید لایطوفن بالبیت عریان تمام هست، ‌علم به صدور آن داریم و مفادش هم نهی از طواف بالبیت است با کشف عورت و این فرمایش آقای خوئی عرفی نیست که این ناظر به کشف عورت نیست بلکه ناظر به پوشیدن لباس است، ممکن است کسی لباس پوشیده ولی پاره هست عورتش منکشف است، ممکن است کسی گیاه به خودش چسبانده، گل به خودش چسبانده، عریان هست، لخت هست‌، لابس ثوب نیست و لکن کاشف عورت نیست که ما عرض کردیم این خلاف ظاهر است. فقط مشکل ما این بود که ظهور نداشت لایطوفن بالبیت عریان در نهی ارشادی به شرطیت ستر عورت در طواف.

مجمل که شد علم اجمالی پیدا می‌‌کنیم که ستر عورت در طواف یا شرط است یا واجب نفسی. این علم اجمالی منحل می‌‌شود به علم تفصیلی به وجوب ستر نفسیا عند وجود ناظر محترم؛ اصل برائت جاری می‌‌کنیم از شرطیت ستر عورت در طواف. و لذا فروعات این مسأله که با لباس غصبی طواف کرد، ‌با لباسی خمس آن را نداده است طواف کرد، بطل طوافه علی الاحوط، ‌نخیر، ‌طوافش باطل نیست.

برخی به این روایت نبویه استدلال کردند که الطواف بالبیت صلاة گفته‌اند احکام صلات در طواف هم هست.

خب این نبوی مرسل است، ‌در احادیث ما هم نیست، ‌در کتب عامه است.

مرحوم استاد به یک روایت صحیحه‌ای تمسک می‌‌کردند، می‌‌فرمودند روایت صحیحه دارد که الرجل یقضی مناسک الحج کلها بغیر وضوء الا الطواف فان فیه صلاةً. انسان می‌‌تواند تمام مناسک حجش را بدون وضوء بجا بیاورد مگر طواف را چون طواف مشتمل بر نماز است پس باید وضوء بگیریم. همین بیان در ستر عورت هم می‌آید دیگه. یعنی چون طواف مشتمل بر نماز است وضوء نماز در طواف هم واجب است، ‌خب ستر عورت نماز در طواف هم واجب است. و هکذا.

ما به نظرمان این مطلب ایراد دارد. چه اشکال دارد شارع بفرماید چون طواف فریضه نماز دارد حکمت شده که شارع در طواف الفریضة وضوء را واجب کند اما آیا طواف صلات تعبدیه است که همه احکام صلات بر آن بار بشود؟ استفاده‌اش از این روایت مشکل است.

[سؤال: ... جواب:] طبعا لازمه این مطلب این است دیگه که اگر زنی در حال طواف عمدا یک تار مویش بیرون باشد طوافش باطل می‌‌شود اما ما این را استفاده نمی‌کنیم. باید عریانه صدق نکند. حالا مقداری از مویش بیرون است، مقداری از بازوانش بیرون است، در این حد که به او عریانه نمی‌گویند، ‌ما دلیل نداریم حتی اگر قائل بشویم لایطوفن بالبیت عریان دلیل بر شرطیت ستر است دلیل نداریم که در مورد زن اینقدر ستر سخت‌گیری در آن شده در طواف.

[سؤال: ... جواب:] اشکال ما به مرحوم استاد این است: ایشان می‌‌فرمودند فان فیه صلاة‌ ظاهرش این است که چون طواف فریضه نماز دارد احکام نماز را در طواف الفریضة اجراء می‌‌کنیم که یکی طهارت است. خب احکام دیگر هم دارد یکی این است که ستر عورت بکنیم. ... حالا آن‌هایی که از خارج دلیل داریم، ‌تکلم در حال طواف اشکال ندارد، ‌قهقهه هم در حال طواف اشکال ندارد بحث دیگری است، ‌آن‌هایی که احتمال می‌‌دهیم در طواف شرط باشد آن‌ها را می‌‌توانیم اثبات کنیم. ما عرض کردیم شاید فان فیه صلاة که تعبیر این است که فیه صلاة نه انه صلاةٌ، انه صلاة که نفرمود، فیه صلاة، این‌که در طواف فریضة نماز هم هست حکمت شده که شارع بگوید در طواف الفریضة وضوء بگیرید اما این حکمت شده که بگویند در طواف الفریضة ستر عورت هم بکنید؟

[سؤال: ... جواب:] فان فیه صلاة علت برای این حکم است که باید طواف را با وضوء بجا بیاورید چون در طواف صلات است. اگر بگویند اکرم زیدا لانه عالم این وجوب اکرام را تعلیل می‌‌کند به این‌که عالم است زید نه این‌که دیگه بگوید پس باید پشت سر زید هم نماز بخوانیم لانه عالم، ‌چه ربطی دارد؟ تعلیل مورد را از خصوصیت می‌‌اندازد، ‌حکم را که از خصوصیت نمی‌اندازد. ... چون طواف فریضه مشتمل بر نماز است برای طواف فریضه وضوء بگیرید. چه اشکال دارد؟ تعلیل به یک امر مناسب است لازم نیست تعلیل به علت تامه باشد. حالا حتما باید تعلیل به یک امر عقلائی باشد؟ نه‌، یک بیان وجهی است برای وجوب وضوء برای طواف لانه فیه صلاة. دلیل نمی‌شود که پس احکام نماز را باید بر طواف بار کنیم.

مسأله 11: اذا بدت العورة‌ کلا او بعضا لریح او غفلة لم تبطل الصلاة لکن ان علم به فی اثناء الصلاة وجبت المبادرة الی سترها و صحت ایضا و ان کان الاحوط الاعادة بعد الاتمام خصوصا اذا احتاج سترها الی زمان معتدبه.

این فرعی است که قبلا بحث کردیم. اختلاف بود بین صاحب عروه که فرمود در آنِ التفات به کشف عورت اشکالی پیش نمی‌آید، سریع عورتش را بپوشاند، نماز را ادامه بدهد، ‌این مقدار از خلل معفو است؛ یا مشمول حدیث لاتعاد است یا ممکن است کسی بگوید دلیل وجوب ستر العورة شامل این آنِ متخلل نمی‌شود. مرحوم آقای خوئی و مرحوم استاد فتوی می‌‌دهند این نماز باطل است‌، ‌بزرگانی مثل امام، ‌آقای گپایگانی احتیاط واجب می‌‌کنند. چون در این آنِ‌ متخلل این اخلال به این شرطیت ستر العورة نه عن جهل است نه عن نسیان است.

ما قبلا بحث کردیم، گفتیم بعید نیست اگر زمان غیر معتدبهی باشد نه زمان معتدبه. ‌یک وقت می‌‌بیند این ساتر دیگه ساتر نیست، ‌آنقدر پاره هست که خلاصه با هیچ حیله‌ای نمی‌شود او را مشکلش را برطرف کرد، پیامک می‌‌دهد به همسرش که برای من لباس بیاور من وسط نماز گیر کردم، ‌حالا چند دقیقه‌ای طول می‌‌کشد که این همسرش برایش لباس بیاورد، این هم سبحان الله الحمدلله، هر چی ذکر بلد است می‌‌گوید تا او بیاید. این زمان معتدبه است، مشکل است واقعا. خب عرف می‌‌گوید تو که مضطر نیستی این نماز را رها کن یک نماز دیگر بخوان. اما اگر آنِ غیر معتدبهی باشد ممکن است عرف ملحقش کند به همان ناسی. تا حالا ناسی بوده حالا برای رفع خلل، ‌الان یک لحظه‌ای باید دست ببرد و ساترش را منظم کند. و لکن الاحوط اعادة الصلاة فی هذا الفرض ایضا.

مسأله 12: اذا نسی ستر العورة ابتداء او بعد التکشف فی الاثناء فالاقوی صحة الصلاة.

ستر عورت جزء ارکان نیست، ‌جزء واجبات غیر رکنیه است، اخلال به آن نسیانا مبطل نیست. اگر در وسط نماز ملتفت بشود او بحث قبلی است اما اگر ملتفت نشود تا آخر نماز، ‌این نماز صحیح است.

و الجاهل بالحکم کالعامد علی الاحوط، اما اگر جاهل به شرطیت ستر العورة بود این احتیاط واجب این است که نمازش را اعاده کند اگر می‌‌داند ستر عورت نکرده منتها جاهل به شرطیت ستر عورت است. چون عرض کردم مشهور حدیث لاتعاد را شامل جاهل به حکم نمی‌دانند که ما بحث کردیم گفتیم شامل جاهل به حکم می‌‌شود حتی و لو کان مقصرا غیر متردد فضلا عن القاصر.

مسأله 13: یجب الستر من جمیع الجوانب بحیث لو کان هناک ناظر لم یرها الا من جهة الستر.

بعضی‌ها ستر می‌‌کنند عورت را از بعض جوانب لا من جمیع الجوانب، اگر کسی بیاید از پشت سرشان نگاه بکند به این‌ها، ‌چون لباس‌شان گشاد است تا زیر ناف‌شان را می‌‌بیند ولی از روبرو کسی نگاه بکند چیزی نمی‌بیند، این ستر من جمیع الجوانب نشد.

بعد صاحب عروه می‌‌گوید که اما ستر من التحت، این لازم نیست. این‌هایی که فقط دشداشه می‌‌پوشیدند، هیچ چیز دیگری نمی‌پوشیدند یا در حال احرام لنگ می‌‌بندند، ‌دارد نماز می‌‌خواند یک کسی هم آمد بین دو پای این آقا دراز کشید، گفت جا کم است اینجا آمدم استراحت کنم. خب می‌‌بیند. صاحب عروه می‌‌گوید اگر این شخص بیاید زیر پای این قرار بگیرد خب می‌‌بیند، آن وقت نماز این آقا ایراد پیدا می‌‌کند ولی حالا که نیامده [نمازش اشکال ندارد چون] متعارف در لبس الازار همین است دیگه. یصلی فی قمیص واحد که امام فرمود اذا کان کثیفا فلابأس، قمیص واحد یعنی یک دشداشه، هیچ چیز ندارد زیرش، همین است دیگه. صاحب عروه می‌‌گوید اگر شما در حال عادی لنگ بستی یا یک دشداشه پوشیدی اگر کسی بیاید بین دو پا قرار بگیرد اما در حالی که کسی نیامده این عرفا صدق می‌‌کند صلی فی قمیص واحد، صلی فی ازار؛ مشکلی نیست. اما اگر همین آقا برود بالای پشت‌بام، ‌آن لبه پشت‌بام بایستد نماز بخواند، یک مشت کارگر هم این زیر دارند کار می‌‌کنند، مدام می‌‌گویند حاج آقا! مصالح بفرست، همراه با او که نگاه می‌‌کنند یک استغفرالله هم می‌‌گویند، ‌خب دیده می‌‌شود دیگه. حالا اگر این آقا بخواهد آنجا نماز بخواند در حالی که در معرض دید افرادی هست که در حیاط هستند، این اشکال دارد دیگه. لازم نیست بالفعل ناظر باشد، نه، این شرائط شرائطی است که عرفا دلیلی که می‌‌گوید یصلی فی قمیص واحد از این انصراف دارد از اینجا که در معرض این است که ناظر محترمی به او نگاه بکند و لو بالفعل ناظر محترمی نیست.

نعم اذا کان واقفا علی طرف سطح او علی شباک بحیث تری عورته لو کان هناک ناظر فالاقوی وجوب الستر من تحت ایضا.

شباک یعنی این چیزهای مشبک حالا با چوب یا با آهن، مشبک درست می‌‌کنند، خانه‌خانه، این هم گذاشتند بالا، او هم رفته روی او نماز می‌‌خواند، خب زیرش یک عده‌ای دراز کشیدند‌، از لابلای آن شبکه‌ها قابل رؤیت است عورت آن شخص، این نمازش باطل است. نگویید آقا! حالا که کسی نیست زیر این مشبک. [می‌گوییم] بحیث لو کان هناک ناظر لرأی عورته لازم نیست بالفعل ناظری باشد.

یکی می‌‌گوید جناب صاحب عروه! اینقدر سخت نگیرید، خب حالا اگر این‌جوری که شما سخت می‌‌گیرید افرادی که می‌‌روند کنار چاه می‌آیستند نماز می‌‌خوانند، ‌او هم بگویید اگر داخل چاه یک شخصی می‌‌رفت از یکی دو متری پایین چاه نگاه می‌‌کرد می‌‌دید عورت این شخص را چون فرق نمی‌کند که کسی در لبه چاه با یک دشداشه یا با یک لنگ بایستد یا لب پشت‌بام، ‌فرق نمی‌کند که.

ایشان می‌‌گوید نه‌، فرق می‌‌کند. الفرق من حیث عدم تعارف وجود الناظر فی البئر. در بئر متعارف نیست کسی برود در چاه نگاه بکند به بیرون چاه و ما بین الرجلین این آقا را ببیند ولی در لبه پشت‌بام نه، آنجا متعارف است وجود ناظر. و لذا در طرف البئر صدق می‌‌کند ستر عرفا ولی در طرف پشت‌بام عرفا ستر صدق نمی‌کند.

این محصل فرمایش صاحب عروه است.

[سؤال: ... جواب:] اگر بداند کسی در چاه هست که عرفا ستر نکرده ولی اگر پشت‌بام بود و می‌‌دانست کسی در حیاط نیست اما اگر کسی بود می‌‌توانست ببیند عورت این شخص را، می‌‌گویند این مخل به شرطیت ستر است.

مرحوم آقای حکیم فرموده که آقا! این چه فرمایشی است شما فرمودید که اگر کسی کنار چاه بود، خب متعارف نیست که داخل چاه کسی قرار بگیرد و به او نگاه کند. این‌جور که شما می‌‌گویید، یک آقایی رفته در یک چاه که خیلی عریض نیست، ‌با طناب رفت در چاه، این چاه هم دور بدنش را می‌‌گیرد، ‌لخت نماز بخواند پس او هم اشکال ندارد چون کسی نمی‌تواند ببیندش. آخه این چه حرفی است؟! ما باید دنبال صدق عرفی لبس القمیص باشیم، ‌چه کار داریم به این حرف‌ها؟ این چیزهایی که شما می‌‌گویید که مهم نیست؛ مهم این است که عرفا صدق کند که هذا لابس للقمیص، ‌هذا لابس للازار [بنابراین] بالای پشت‌بام هم صدق می‌‌کند، ‌روی آن مشبک‌ها قرار بگیرد صدق می‌‌کند.

به نظر ما این فرمایش آقای حکیم ناتمام است:

اما اینی که ایشان فرمود در یک چاه کم‌عرض که دور بدن یک شخص را می‌‌پوشاند، ‌لخت بیاید کسی نماز بخواند، ‌خب صاحب عروه ممکن است بگوید من از روایات استفاده کردم باید ساتر خارجی که تابع مکلف است مثل ثوب، ازار و امثال ذلک باشد. آن چاه کم‌عرض، ساتر، دیوار چاه است، او که تابع عرفی منِ مکلف نیست. ظاهر ادله این است که چیزی باشد که من او را ساتر خودم قرار بدهم من قمیص او ازار نه این‌که بروم بچسبم به دیوار، ‌دیوار هم رو به قبله است‌، ‌بگویم الحمدلله جلویم را که کسی نمی‌بیند، پشت سر من هم یک پرده‌ای بیندازم، ‌از آن جهت هم خیالم راحت باشد، خب این ستر صدق نمی‌کند. این چه نقضی است که شما می‌‌کنید؟‌

[سؤال: ... جواب:] او نمی‌چسبد به این، این می‌‌چسبد به این. من می‌‌گویم کافی نیست برود به دیوار بچسبد. ... مثل کیسه خواب عیب ندارد. کیسه خواب انسان بپوشد تابع انسان است، ‌او اشکال ندارد. ما می‌‌گوییم باید آن ساتر تابع انسان باشد نه انسان تابع او مثل ثوب، قمیص، ازار. حالا در روایت داشت حشیش، گیاه.

و لذا این نقص درست نیست.

و اما این‌که بحث کردند که چه اشکال دارد انسان لبه پشت‌بام بایستد مخصوصا اگر خیلی هم چاق است آمده جلو، لنگ که می‌‌بندد یک متر در یک متر زیرش باز است، ده نفر هم اگر در حیاط بایستند می‌‌توانند از فیض محروم نشوند، این اشکال نداشتنش انصافا خلاف متفاهم عرفی است جناب آقای حکیم. شما می‌‌گویید نتیجه می‌‌گیریم این اشکال ندارد [اما] ظاهر دلیلی که می‌‌گوید ستر، این است که ستری که ناظر متعارف نتواند ببیند.

این اشکال آقای حکیم را هم آقای داماد شبیهش را دارد، ‌اشکال کرده به صاحب عروه. فرموده که آقا!‌ اگر شما می‌‌گویید که حتما باید در هیچ حالی ناظر متعارف نبیند آن را، همان کسی هم که لنگ پوشیده، ‌متعارف است که می‌آید رد می‌‌شود از بالای سر افراد، ‌خب افراد می‌‌توانند ببینند از زیر. این‌که راه می‌‌رود یک عده‌ای هم خوابیدند می‌آید از بالای سر این‌ها رد می‌‌شود، می‌‌گوید ببخشید جا نبود از بالای سرتان رد شدم، می‌‌گویند مرد حسابی! این چه وضع رد شدن است؟‌ از زیر همه چیز پیداست. پس باید بگویید این هم ایراد دارد. نگویید آقا! وجود ناظر این چنینی خلاف متعارف است. نه کجا خلاف متعارف است؟‌ خلاف متعارف است که یک کسی دراز کشیده باشد یک کسی هم از بالای سرش رد بشود؟‌

[سؤال: ... جواب:] برای این‌که سروال دارید دیده نمی‌شوید و الا اگر لنگ ببندید فقط یک دشداشه، آن هم از آن دشداشه‌های گشاد خریدید پوشیدید، رد می‌‌شوید دیده می‌‌شوید دیگه. پس بگویید این هم ایراد دارد؟‌

این یک اشکال. اشکال دوم، ‌ایشان گفته: آقا! کجا در روایات آمده ستر عورت لازم است؟ کجا در روایات آمده در زن ستر جمیع جسد لازم است؟ روایات می‌‌گوید الرجل یصلی فی قمیص واحد، ‌المرأة تصلی فی درع و خمار، ‌اطلاق دارد. چرا سخت می‌‌گیرید بر بندگان خدا؟ می‌‌گویید آقا! حکمت لباس پوشیدن این است که عورت انسان از ناظر محترم پوشیده بشود؟ چی می‌‌دانیم حکمتش چیه؟ شاید حکمت لباس پوشیده لخت نرویم در محضر خدا، وقتی می‌‌خواهیم نماز بخوانیم با لباس باشیم، ‌بی‌لباس نماز نخوانیم. کی می‌‌گوید حکمتش این است که اگر لبه پشت‌بام هم بودیم از حیاط ما را نتواند ببیند؟ این حکمت را از کجا در آوردید؟

به نظر ما این فرمای آقای داماد هم اشکال دارد. انصافا مناسبت حکم و موضوع این است که وقتی می‌‌گویند یصلی فی قمیص قال لابأس اذا کان کثیفا، اگر نازک نیست اشکال ندارد، این عرفا یعنی بخاطر ستر عورت از ناظر محترم احتمالی.

[سؤال: ... جواب:] ستر عورت لازم است بالقمیص و نحوه.

و این‌که ایشان فرموده که این متعارف است که آدم دشداشه می‌‌پوشید زیرش هیچ چیز نمی‌پوشد یکی هم دراز کشیده از بالای سر او رد بشوی. [می گوییم] بحث نماز است، در نماز ایستاده آدم نماز می‌‌خواند، واقف نماز می‌‌خواند، ‌متحرک که نیست. خب این متعارف است که آنی که آن طرف خوابیده چشمش بیفتد به ما بین الرجلین و ما بین الالیتین؟‌ کی متعارف است؟‌

و عجیب است شما می‌‌فرمایید جناب آقای داماد که ما در روایات نداریم که ستر عورت، داریم لبس قمیص و این صدق می‌‌کند. آقا! در صحیحه علی بن جعفر بود ان اصاب حشیشا یستر به عورته. چه جوری ما نداریم؟ و اصلا مناسبت حکم و موضوع همین را اقتضاء می‌‌کند.

پس انصاف این است که فرمایش صاحب عروه فرمایش متینی است. در لبه پشت‌بام قرار بگیرد این آقایی که یک دشداشه پوشیده این صحیح نیست چون اگر یک ناظر محترمی در حیاط باشد سرش را بیاورد بالا بخواهد صحبت کند باید استغفار کند از این‌که نگاهش افتاده به چیزی که نباید نگاه کند.

[سؤال: ... جواب:] اگر در آنجا نماز بخواند، همان فرض شاذ را، رفته بالای پشت‌بام نماز می‌‌خواند. اگر لبه پشت بام، همین غیر متعارف نماز خواند، ‌این نمازش صحیح است؟ این خلاف ظاهر است.

این فرق می‌‌کند با لبه چاه عمیق. بله، ‌چاه‌هایی که شهرداری در خیابان‌ها می‌‌کند یک متر دو متر که گفت یک آقای سیدی را سوار کرد، ‌تا او پیاده شد خواست بقیه کرایه را بدهد دید غائب شده. گفت عجب! امام زمان‌مان را دیدیم و نشناختیم. بعد از چند ماه هم آن سید را دید، ‌رفت سراغش، گفت آقا، مثلا شروع کرد تواضع کردن. گفت مرد حسابی! تو کنار چاله من را پیاده کردی، افتادم در چاله چندین ماه بستری بودم. این چاله‌های یک متری و دو متری، ‌بله، اگر بخواهد کنار او نماز بخواند، ‌کارگری که داخل آن چاله است نگاه می‌‌کند می‌‌بیند. اما چاه‌های عمیق، ‌صاحب عروه گفت بئر، ‌نگفت گودال، بئر ظاهرش یعنی بئر عمیق، راست می‌‌گوید دیگه صاحب عروه، ‌متعارف نیست از داخل چاه عمیق نگاه بیفتد ببیند یک کسی لبه این چاه ایستاده و دارد نماز می‌‌خواند.

[سؤال: ... جواب:] بعید نیست بگوییم اگر کسی با لنگ نماز می‌‌خواند یک بچه شیطونی آمده مدام از لای پای این به حالت قفا که بالا را نگاه می‌‌کند و می‌‌رود، این بعید نیست که اشکال داشته باشد، انصراف دارد ستر عورت به این‌که اگر ناظری بود ستر کنی. ولی چون متعارف نیست اگر کسی نبود که بالفعل نگاه کند انصراف دارد از این، الرجل یصلی فی قمیص واحد. اما اگر لبه پشت‌بام دارد نماز می‌‌خواند که می‌‌داند کسی نیست ولی اگر کسی بود راحت نگاهش می‌‌افتاد، خب ظاهر روایات یصلی فی قمیص واحد یا ان اصاب حشیشا یستر به این است که اگر یک ناظر بود بطور متعارف نتواند ببیند.

مسأله 14: هل یجب الستر عن نفسه؟ آیا لازم است انسان در نماز خودش عورت خودش را نبیند؟ آقا! همین کیسه‌های خواب رفته داخلش، خودش می‌‌بیند عورت خودش را اما دیگران نمی‌بینند حالا مطلقا یا در حال رکوع و سجود، می‌‌رود به سجده نگاهش می‌‌افتد به اسافل اعضائش، اما کسی نمی‌بیند او را، صاحب عروه می‌‌گوید بعید نیست، لایخلو من قوة که این نماز صحیح باشد، ‌چه اشکالی دارد؟ بیش از این ظهور ندارد ادله که یستر به عورته من الغیر نه یستر به عورته حتی من نفسه. و لو احتیاط مستحب این است که جوری لباس بپوشید که خودتان هم خودتان را نبینید.

آقای سیستانی فرمودند که احتیاط واجب است که انسان جوری خودش را ستر کند که خودش هم خودش را نبیند. محقق عراقی هم همین‌جور اشکال کرده که در جواز این فرض که انسان خودش عورت خودش را ببیند، ‌گفته که خلاف ظاهر ادله است. آقای سیستانی حتی راجع به زن می‌‌گوید اگر چادرش است جوری است که موهایش را خودش می‌‌بیند اشکال دارد، باید یک جوری باشد که موهایش را هم خودش نبیند.

ولی انصاف این است که این‌ها دلیل ندارد. ظاهر از روایات همین است که آقایان فرمودند بیش از این نیست که جوری باشد که دیگران نتوانند ببینند، ‌اما خودش هم خودش را نتواند ببیند؟ نه، همچون شرطی نیست، ‌رجوع می‌‌کنیم به اطلاقات یا اصل برائت.

یک مثالی زده صاحب عروه آقای خوئی اشکال در مثال می‌‌کند. صاحب عروه می‌‌گوید فلو صلی فی ثوب واسع الجیب بحیث یری عورة‌ نفسه عند الرکوع لم یبطل، اگر یک کسی نماز بخواند در یک دشداشه‌ای، ‌لباس زیر هم ندارد، ‌فقط دشداشه است و این واسع الجیب است‌، یقه‌اش گشاد است به جوری که همین‌جوری که نگاه می‌‌کند خلاصه نگاه تیزش منتهی می‌‌شود به نظر به عورت خودش اما دیگران‌ که نمی‌توانند نگاه بکنند، ‌این اشکال ندارد. آقای خوئی فرموده من در این صغری مناقشه دارم. مگه می‌‌شود در همچون موقعیتی خودش می‌‌تواند ببیند عورت خودش را کس دیگر بیاید به همان سمت که انسان قرار گرفته، ‌سر او محاذی سر خود مصلی بشود، خب آنی که مصلی می‌‌بیند او هم می‌‌بیند. از پشت سر آمده در گوش این آقا می‌‌گوید حاج آقا! التماس دعا! ناگهان می‌‌بیند از التماس دعا هم گذشته.

اما مسأله 15 و 16 را ان‌شاءالله فردا می‌‌گوییم و بحث شرطیت ستر تمام می‌‌شود، ‌احکام لباس مصلی بعدش هست که ان‌شاءالله تا بحث احکام لباس مصلی می‌‌خوانیم.

و الحمد لله رب العالمین.